

"ما بخشی از دستگاه های حفاری هستیم. بدون ما
این دستگاه ها هیچ ارزشی ندارند..."

گفتگو در جمع کارگران حفاری

مقدمه

کارگران صنعت حفاری تجارب مبارزاتی درخشان و آموزنده ای از دوران انقلاب ۵۷ دارند. بعد از سقوط رژیم پهلوی، کارگران حفاری سریعاً به تشکل شورای مستقل انقلابی خود پرداختند. در دوره ای که اقتصاد دچار هرج و مرج شده بود و مقامات شرکت های حفاری و شرکای خارجی آنان، راه فرار و خروج سرمایه های خود از کشور را در پیش گرفته بودند، شورای کارگری برای برقراری نوعی از کنترل کارگری(۱) در شرایط اعتلای انقلابی تلاش کرد و به دستاوردهای معینی رسید. اشاره به موضوعات مورد توجه کارگران در آن مبارزه می تواند تصویر روشنتری را از سطح آگاهی، دغدغه ها و شور انقلابی همسنگران طبقاتی ما به نمایش بگذارد. یکی از اقداماتی که شورای کارگری حفاری با پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق کارگران به عمل آورد به سازماندهی امر آموزش مهارت ها مربوط می شد. شورا سریعاً تصمیم گرفت که کلاس های ضروری برای این کار را با استخدام مدرسان مناسب و با هزینه مناسب تشکیل دهد. آموزش زبان انگلیسی نیز با توجه به نیازهای فنی این رشته صنعتی مد نظر قرار گرفت. در این مورد، مبارزه معینی میان برخی از متخصصان که خواهان عقد قرارداد گران قیمت با یکی از موسسات آموزش زبان بودند با نمایندگان کارگران در گرفت. شورا با احتساب هزینه ها و برای جلوگیری از حیف و میل و زد و بندهای پشت پرده، تصمیم گرفت که با چند موسسه مختلف در مورد نرخ کلاس ها تماس بگیرد و از

میان آنها، بهترین و با صرفه ترین پیشنهاد را انتخاب کند؛ که چنین نیز شد. يك موضوع دیگر به مبارزه و اقدام قاطعانه شورا و کارگران حفاری برای جلوگیری از انتقال يك دکل اصلی به خارج از کشور (در جهت سیاست های شرکت های امپریالیستی) مربوط می شد. شورا به محض اطلاع از این طرح توطئه آمیز به افشای آن پرداخت و به نیروی خود کارگران جلوی این کار را گرفت. به علاوه، شورای کارگری برای تهیه ناهار کارگران و محل غذا خوری، دست به ابتکار زد و به جای عقد قرارداد با یکی از هتل ها که تا آن زمان رایج بود، کانتینرهای موجود را به ناهارخوری تبدیل کرد. آگاهی و هوشیاری و استقلال رای نمایندگان شورا باعث شد که حاکمان تازه به قدرت رسیده اسلامی، این شورا را موی دماغ خود ببینند و برای برچیدن یا فاسد کردن آن، توطئه چینی کنند. مقامات دولتی نخست تصمیم گرفتند، نمایندگان شورا را به اصطلاح به کناری بکشند و برای تطمیع و جذب به "جلسات خصوصی" دو جانبه دعوت کنند. اما نمایندگان شورا زیر بار نرفتند و در اقدامی موثر موضوع را با همه کارگران در میان گذاشتند. نمایندگان شورا در کنار کارگران به "ملاقات" مقامات رفتند تا هیچ بحث و تصمیمی از نظر توده ها پوشیده نماند. نتیجه آن شد که مقامات دولتی نتوانستند از این راه به هدف خود برسند. از اینجا بود که توطئه ها برای تهدید و اعمال فشار بر شورای کارگران حفاری و به تعطیل کشاندنش آغاز شد. پرونده سازی امنیتی برای نمایندگان شورا بخشی از این توطئه ها بود. وقایع بعد که نهایتاً به آغاز جنگ ایران و عراق انجامید، عملاً به فعالیت این شورا خاتمه داد؛ اما تجربه اعمال قدرت و کنترل واقعی از سوی کارگران حفاری و شورای منتخب آنان در حافظه و تاریخچه مبارزات طبقه کارگر ایران باقی ماند.

به تازگی متن مصاحبه ای از سوی یکی از مخاطبان وبلاگ "جمعی از فعالین کارگری" برای ما ارسال شده است. این مصاحبه در جمع تعدادی از کارگران کنونی شرکت ملی حفاری صورت گرفته و در آن به موضوعات مختلفی پرداخته شده است. ما ضمن تشکر فراوان و صمیمانه از دوست مصاحبه کننده، از او و

گفتگو در جمع کارگران حفاری

سایر دوستانی که امکان تهیه چنین گزارشات یا مصاحبه هایی را در محیط کار و زیست طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه دارند می خواهیم که با ارسال آن به این وبلاگ، به امر آشنایی با تجارب و تبادل فکر هر چه بیشتر در صفوف طبقه م که کنت د.

"جمعی از فعالین کارگری"



سخنی کوتاه:

دوستان عزیز «جمعی از فعالین کارگری»، چند وقتی بود که تصمیم داشتم برای وبلاگ شما در مورد کارگران شرکت ملی حفاری گزارشی تهیه کنم، اما به دلیل مشکلات فنی موفق به این کار نمی شدم. تا اینکه حدود یک ماه قبل موفق به ملاقات با چند تن از کارگران این شرکت شدم و توانستم از نزدیک با این رفقا دیداری چند روزه در یکی از اردوگاه ها داشته باشم. من تا حدودی با شرایط کاری آنجا آشنا شدم و در مورد مسائل و مشکلات روزمره کارگران حفاری، خواسته های عمده و فوری

گفتگو در جمع کارگران حفاری

آنان، مشکلات درازمدتشان، معضل اخراج گسترده و تعطیلی بعضی قسمت ها، سیاست تقسیم کار مجدد، نوع کار، درجه بندی سختی کارها، درجه بندی دستمزدها و بسیاری از مسائل شخصی و خانوادگی آنان به گفت و گو نشستیم که ماحصل آن را در اینجا ملاحظه می کنید. امیدوارم که این گزارش به انتقال تجربه به دیگر جمع های کارگری کمک کند.

متن مصاحبه با تغییراتی از روی نوار پیاده شده است. کارگرانی که در این مصاحبه شرکت کردند را با نام کوچک مستعار و نوع شغل شان مشخص کردم. در ضمن بعضی از قسمتهای این گزارش را به خاطر مسائل امنیتی حذف کردم که امیدوارم در متن مصاحبه خللی بوجود نیاورده باشد.



: با درود بر شما و خسته نباشید، اگر میشود مختصری در مورد تاریخ حفاری و شرکت ملی حفاری، اهمیت این بخش در صنعت بطور کلی، اینکه چقدر وجودش حیاتی است، بفرمائید.

رفیق حمید (حفار): با سلام خدمت شما. از اینکه به هر حال توانستیم ملاقاتی حضوری داشته باشیم، و بعد از دشواری چند ماهه همدیگر را ببینیم خوشحالیم. بالاخره بعد از مدتها سراغی از ما گرفتید. اما بقول معروف ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.

بدون مقدمه بگویم کشور ایران یکی از غنی ترین کشورها از لحاظ منابع نفت و گاز محسوب میشود. حفاری در واقع دروازه ورود برای دستیابی به این منابع است. قبل از انقلاب شرکت های حفاری خارجی (مثل هالی برتون - که کارش تجهیزات ابزار در گردش، سیمان کاری و ... - شرکت ریدن بسک - شرکت شلم بلاگر - شرکت سدکو و ...) فعالیت می کردند، بنا بر اهمیت کار حفاری بعد از انقلاب نیروهای حفاری ایرانی تشکیل شرکت ملی حفاری را دادند. (در تاریخ ۱/۱۰/۵۸)

نا گفته نماند که شرکت های حفاری در دنیا به صورت شرکت های خصوصی هستند. از آنجا که در ایران در دوران مصدق نفت ملی شده و شرکتی به نام شرکت ملی نفت تاسیس شده بود، قبل از انقلاب این شرکت های خصوصی به عنوان پیمانکار طبق قراردادی برای شرکت نفت کار می کردند. اما بعد از انقلاب شرکت ملی حفاری جای آن شرکتهای خارجی را گرفت و به تتهائی به عنوان پیمانکار برای شرکت ملی نفت مشغول به کار شد.

از آنجا که همیشه نیاز به کشف مخازن جدید احساس می شد از همان دوران قدیم شرکتی به نام **اکتشاف و تولید** که قصد آن دست یابی به مخازن هیدروکربنی بود تاسیس شد. این شرکت در راستای کشف مخازن نفتی گازی عمل می کرد و بعد از کشف مخازن آنها را تحویل شرکت ملی نفت می داد.

هم اکنون ایران به مناطق مختلفی جهت استخراج نفت تقسیم بندی شده است و در این راستا شرکت های دیگری نیز تاسیس شده است که می توان از شرکت فلات قاره که مربوط به دریاست _ شرکت نفت مرکزی _ شرکت نفت شمال _ نام برد.



اگر امکان دارد کمی در مورد کار حفاری، و ابزار آن بگوئید.



تا
هم
نظر
در
لازم

حمید: حتما. از وقتی که کار حفاری شروع شده، یعنی از وقتی که اولین مخزن نفت را در اعماق زمین پیدا کردند حالا این صنعت مرتبا رشد کرده است. از نظر روش کار و تقسیم کارها؛ هم از تکنولوژی و ابزار. هر چه نیاز به حفاری عمق بیشتر باشد، تکنولوژی پیشرفته تری

است. این خودش زمینه تکامل تکنولوژی به طور کلی شده است. یعنی حفاری زمینه را برای رشد خیلی از تکنولوژی های دیگر آماده می کند. هر چه زمین را بیشتر حفر می کنیم، صنایع دیگر هم بیشتر رشد می کنند! مثلا الان صنعت نفت به تکنولوژی موتورهای "engines" دست پیدا کرده است که در ماشین سازی، صنعت هواپیمایی و فضا مورد استفاده قرار می گیرد. هر کشوری که از توانایی حفاری در اعماق بیشتر برخوردار باشد، در دنیای فناوری حرف اول را خواهد زد. بنابراین می توان گفت

بخش عمده‌ای از سرنوشت تولید نفت کشور در آینده و همچنین رشد خیلی از تکنولوژی‌ها در کشور ما هم به حفاری وابسته است. البته وقتی که ما به مدیریت و مقاماتی سر و کار داریم که همه چیز را با سود محاسبه می‌کنند و با طرف‌های خارجی زد و بند دارند، این بحث من چندان موضوعیت ندارد. مثلاً همین حالا عده‌ای مطرح می‌کنند که نیازی به طراحی و ساخت دکل یا بقیه تجهیزات حفاری در کشور نیست، چون به راحتی می‌توان آن را از کشورهای دیگر خریداری کرد. یا اصلاً انجام حفاری را به طور کامل، به کشورهای دیگر محول کرد. اما خب، اگر شرایط عوض شود و واقعا همه چیز دست خود مردم باشد و آن وقت بخواهیم يك اقتصاد مستقل بسازیم، باید به این چیزها فکر کنیم و برایش نقشه بزنیم. ولی الان که همه چیز را کسانی دیگر برای ما تعیین می‌کنند، چه در داخل و چه خارج. يك نکته دیگر هم پرسیدی. چه بود؟

: در مورد ابزار و نحوه کار.

: آهان! فکر کنم خودتان هم می‌دانید که مته، يك ابزار اساسی حفاری است. قدیم‌ها از مته‌های چکشی استفاده میشد که با پیشرفت صنعت جای خود را به مته‌های دورانی (چرخشی) داد. دستگاه‌های چرخشی مته و لوله با نیروی موتورهای دیزلی کار می‌کنند.

بعد از دستگاه مته و لوله می‌رسیم به دکل حفاری. دکل حفاری مجموعه پیچیده‌ای است که از تجهیزات مختلف مکانیکی و الکترومکانیکی تشکیل شده. به‌طور کلی به شش مجموعه اصلی تقسیم شده:



- ۱- سازه فلزی (Mast & Substructure)
- ۲- مجموعه کشش و تعلیق (Hoisting System)
- ۳- مجموعه برق و کنترل (SCR & MCC)



(System
Rotation) -۴ مجموعه دوران و چرخش

(System
Mud System) -۵ مجموعه گل حفاری
-۶ مجموعه کنترل فوران (B.O.P.)
(System



هر يك از این مجموعه ها از مجموعه های متنوعی از تجهیزات و قطعات تشکیل می شود. بر اساس برنامه ریزی های انجام شده تیم های فنی، مسئولیت مطالعه و بررسی برای طراحی و ساخت و یا تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از سازندگان و تولید کنندگان را به عهده دارند.

گفتگو در جمع کارگران حفاری

مواردی هم تامین کالا از طریق تولید کنندگان و سازندگان خارجی ضروری است. اما نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که تا حالا دانش فنی در مورد درک روابط میان تجهیزات مختلف یک دکل در داخل کشور به وجود نیامده است. برای نمونه چرا ارتفاع این دکل حفاری را ۵۰ متر در نظر گرفته‌اند؟ این را هنوز ما نمی‌دانیم. این مقدار ارتفاع با عمق چه ارتباطی دارد؟ نمی‌دانیم. ضمناً انتخاب نوع فلز اجزای دکل باید طوری باشد که تا عمر و دوام معینی داشته باشد. هم‌چنین از وزن مشخصی برای برقراری و حفظ تعادل برخوردار باشد. این موارد در هیچ کتابی نوشته نشده و دانش فنی و اطلاعات آن در اختیار شرکت‌های سازنده **دکل** است. در واقع، اینها بخش انحصار شده دانش و اطلاعات در دست کشورهای سرمایه داری پیشرفته است.

: رفیق روشن، آگه میشود در مورد ساختار شرکت ملی حفاری، تقسیم کار، چند نوع کار، بخشهای مختلف آن، بفرمائید.

روشن (دکلبان): من هم به نوبه خودم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم که اینجا به شما سخت نگذشته باشد.

شرکت ملی حفاری ایران سه بخش دارد:

یکم، کارکنان طرح عملیاتی اقماری

دوم، کارکنان ماموریتی شاغل در کارهای فنی مستقیم در ارتباط با کارهای عملیاتی مانند لوله جداري، سیمان کاری، نمودار گیری، ابزار در گردش، ابزار دقیق و....

سوم، کارکنان امور اداری و سازمانی

: آگه میشود در مورد این بخشها، و تقسیم کار/ چند نوع کار/ درجه بندی سختی کارها، بیشتر توضیح بدهید؟

روشن : بله حتما. از کارکنان طرح اقماری شروع می کنم.

کارکنان طرح اقماری حفاری: هر چند کارکنان (crew) مانند اجزاء دستگاه حفاری نیستند معذالک قسمت مهمی از دستگاه حفاری هستند. بدون کارکنان، وسایل حفاری دورانی ارزشی ندارد. گروه حفاری ممکن است ۴ تا ۶ نفر باشند که این بستگی به اندازه و احتیاج دستگاه حفاری دارد. تعداد کارکنان بستگی به نوع عملیات دارد. یعنی اینکه آیا عملیات در خشکی است؟ در منطقه ی یخبندان است؟ سرکشتی حفاری (inland barge) است؟ و یا در دستگاه حفاری دریائی، که احتیاج به متخصص بیشتری از دستگاه های حفاری معمول دارد.

ممکن است گاه گاهی برای کمک به کارکنان حفاری در کارهایی از قبیل راندن رشته طویل جداری افراد اضافه شوند که در این مورد گروه ویژه لوله های جداری با وسایل مخصوص اینکار برای انجام عمل فراخوانده می شوند. اجرای کار به عهده گروه لوله های جداری است و گروه حفاری در طول کار به آنها کمک می کنند. اما تقسیم بندی کارکنان،

کارکنان شیفت روز

- ۱- رئیس دستگاه (tool pusher)
- ۲- سر حفار (شب کار - یا رئیس دستگاه شب)
- ۳- حفار (driller)
- ۴- کمک حفار
- ۵- دکلبان
- ۶- کارگر سکو (roughneck)
- ۷- گل شناس

کارکنان شیفت شب

- ۱- سر حفار (شب کار - یا رئیس دستگاه شب)

- ۲- حفار (driller)
 - ۳- کمک حفار
 - ۴- دکلبان
 - ۵- کارگر سکو (roughneck)
 - ۶- گل شناس
- هر دستگاه حفاری دارای یک مکانیک ارشد و مکانیک ۲ (کمک مکانیک)، "موتور من" جهت سرکشی به موتورهای موجود بر روی دستگاه، یک برقکار ارشد و یک برقکار ۲ (کمک برقکار)، یک راننده ی جرثقیل و یک راننده ی ماشین سنگین جیم پل _ یک جوشکار و ۳ نفر کارگر شستشو (کمک صنعتگر) است.

رئیس دستگاه حفاری (tool pusher)

کسی است که کلیه مسئولیتهای دستگاه حفاری و عملیات را بر عهده دارد. او عموماً بطور شبانه روزی آماده به کار بوده و در کاروانی در محل دستگاه حفاری زندگی می کند و در بیشتر موارد طبق برنامه تنظیمی، که ممکن است یک یا دو هفته باشد، سر چاه باقی می ماند. تجربه اش شامل سالها کار کردن بعنوان کارگر و حفار است و تخصص کافی در امر حفر چاه، ماشین آلات دستگاه حفاری، ابزار و تجهیزات مربوطه دارد. او رهبری عملیات دستگاه حفاری و کارکنان حفاری را به عهده دارد. بعلاوه مسئول امور اداری و پرسنلی حفار و کارکن حفاری و نیز امور مربوطه به کار فرما و پیمانکار را هماهنگ می کند.

حفار (driller)

مسئول حفاری است و ماشین آلات حفاری را بکار می اندازد (شکل روبرو)



و زیر نظر مستقیم سر حفار است و بر تمام کارکنان سکو نظارت دارد. او و سایر کارکنان ۱۲ ساعت کار می کنند که یک شیفت (tour)، یا نوبتکار نامیده می شود، سپس بوسیله ی حفاری دیگر و گروهش تعویض می شوند. حفار دستورات لازم کاری را به دستیار خود (کمک حفار) می دهد و او هم این دستورات را به سایر کارکنان گروه که ۵ تا ۶ نفر هستند می دهد. در ایران، کمک حفار نفر بعد از حفار ارشد سکوی حفاری است و در طول شیفت بعضی مواقع به جای او کار می کند.

دکلان (derrick man)

در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مانند آمریکا و کانادا و بسیاری از کشورهای دیگر دکلان از نظر رتبه بعد از حفار بوده و در بعضی از دستگاه های حفاری ممکن است او را بعنوان معاون حفار در نظر گرفت. او روی سکوی دکلان (monkeyboard) یعنی سکوی کوچکی به ارتفاع یک استند لوله حفاری (تقریباً ۹۰ فوت) کار می کند، موقع لوله بالا گرفتن، آنها را با نظم خاصی در تجهیزات ویژه ای که بدین منظور تعیین شده می چیند. (شکل) روبرو

گفتگو در جمع کارگران حفاری



کارگر سکو (floopman roughneck) که کارگر حفاری نیز نامیده می شود

(شکل) روبرو



مسئول زمان جابجا کردن پائین لوله های حفاری (سلیبس) را که سه دسته دارد موقع لوله بالا یا لوله پائین می باشد. یک گروه کامل کارگران حفاری شامل ۲ تا ۴ نفر است. آنها همچنین بوسیله آچار، کار باز و بسته کردن لوله ها را انجام می دهند. علاوه بر انجام وظایف روی سکو، آنها اغلب نگهداری، تمیز کردن و رنگ زدن تجهیزات را به عهده دارند تا دستگاه حفاری در وضعیت خوبی باقی بماند.

مکانیک دستگاه حفاری (mechanic)

مکانیک دستگاه حفاری، در عین حال که جزء سازمان کارکنان دستگاه حفاری باشد، تا آنجائی که به اجزاء مکانیکی دستگاه حفاری مربوط

میشود همه کاره است. او ممکن است تغییرات جزئی موتورها، پمپ های کوچک و سایر ماشین آلات دستگاه حفاری را انجام دهد.

برقکار (electrician)

برقکار دستگاه حفاری، کارهای تعمیراتی سیستم تولید و توزیع برق را بر عهده دارد. تغییرات جزئی ژنراتورها یا موتورهای الکتریکی، بازرسی سیم کشی برق و سایر ادوات برقی به عهده اوست.

برقکار ۲ (کمک برقکار)

کمک برقکار مسئولیت کارهای برقی در اردوگاه حفاری که شامل موتور برق اردوگاه، روشنایی محل، سیم کشی کاروانها، و تعمیر و نگهداری ابزار آلات آشپز خانه و دستورات رییس اردوگاه (کمپاس) را بر عهده دارد.

کمک مکانیک (motor man)

او عموماً مسئولیت موتورها، سوخت موتورها و تجهیزات کمکی از قبیل ژنراتورها، کمپرسورهای هوا، پمپ های آب و سایر چیزهای مربوطه را به عهده دارد. او بازرسی روغن و گاهی تعمیرات جزئی موتورها را انجام میدهد ولی برای تعمیرات اساسی، عموماً یک مکانیک بکار گرفته میشود. او مسئولیت مستقیم ۲ عدد پمپ های آب مصرفی سرچاه یا دستگاه حفاری را دارد

اپراتور جرثقیل و کارگران ساده (زیر سکو)

در دستگاه های حفاری دریائی، گروه کارکنان حفاری مشابه کارکنان دستگاه حفاری خشکی است. حتی تعداد آنها زیاد هم هست. در بین افراد اضافی، اپراتور جرثقیل و کارگران ساده یا زیر سکو را داریم.

کارگر سکو وسایلی را که مرتب از مرکز (درخشکی) می رسد تخلیه و جابجا می کند. آنها موقع بارگیری یا تخلیه بار زیر نظر اپراتور جرثقیل کار می کنند.

جوشکار

مسئول کارهای ساده جوشکاری روی سکو، پائین سکو و... است.

گل شناس

حفاری نیاز به گل شناس (mud enginier) روز کار و شب کار دارد. که این گل شناس دارای یک کارگر تخصصی بنام آزمایش گر و یک کارگر کمکی بنام (کمک صنعتگر) است. هم چنین تعدادی کارگر محلی که بر اثر نیاز کار، می تواند تا ۲۰ نفر افزایش یابد و یک دستگاه کرین جهت جابجائی مواد گل که دارای ۲ راننده ی جرثقیل که یکی در روز و یکی در شب است.

: بهرام، شما می خواستید چیزی بگوید؟

رفیق بهرام (گل شناس): می خواستم برای اطلاعات بیشتر بگویم که گل حفاری، يك سیال پیشرفته است که در هنگام حفاری برای خنک کردن مته، بالا آوردن کنده‌ها، نگه داری فشار سازندها و ... به درون چاه تزریق می شود. گل حفاری پیچیده‌ترین سیالی است که بشر موفق به ایجاد آن شده است. از سوی دیگر هر چه عمق چاه بیشتر شود، فشار گل حفاری نیز، بیشتر خواهد شد، بنابراین پمپی که به این منظور به کار گرفته می شود، برای دسترسی به چنین فشاری باید توان بر حسب اسب بخار (Horse Power) بیشتری داشته باشد، بنابراین باید از آلیاژ خاصی ساخته شود که خود نیازمند تکنولوژی پیشرفته‌ی دیگری است. به یقین، بارها شنیده‌اید که ایران چندمین کشور صادر کننده نفت است؛ اما این

مساله يك افتخار محسوب نمی‌شود. زمانی باید افتخار کرد که در صادرات **تکنولوژی نفتی** موفق عمل کنیم و علاوه بر مصرف مقدار نفت تولید شده در داخل جهت تولید، همانند امریکا از سایر کشورها نیز نفت وارد کنیم. ما با فروش نفت خام همانند فردی هستیم که برای تامین زندگی‌اش مجبور به فروش **کلیه** خود است.

روشن: اگه اجازه بدهید بعد از توضیح دوستان در ادامه به بخش های دیگر بپردازیم

: خواهش می کنم

روشن: کمی در مورد کارکنان ماموریتی شاغل در کارهای فنی صحبت کنم. ببینید کارکنان ماموریتی غالباً در گروه های ۲ تا ۷ نفر هستند، که این گروهها شامل:

۱- سیمان کاری - در زمانیکه عملیات لوله جداری به پایان می رسد گروه سیمانکاری عملیات تزریق سیمان به بغل لوله های جداری را انجام می دهد

۲- نمودار گیری - کار نمونه برداری از عمق نهائی چاه در هر مترژی که باشد وظیفه گروه نمودار گیری می باشد. که با دستگاه مخصوص نمودار گیری انجام می شود

۳- ابزار در گردش - در واقع کنترل کیفیت تمام ابزار حفاری از جمله خود دستگاه حفاری را بر عهده دارد بعنوان مثال می توان از چک کردن لوله ها و تبدیل های حفاری نام برد

۴- ابزار دقیق - همانطور که از نام ان پیداست کار چک کردن ابزار ها از جمله (گیجها، کنترل رومها و کنترل ولوهای برقی و....

۵- لوله جداری (کیسینگ گروه) _ این گروه معمولاً در حین انجام حفاری تا نقطه‌ی ایکه زمین شناس مشخص کرده وارد عمل می‌شود که این لوله‌ها از ۱۸.۵۸ تا ۵.۵۸ می‌باشد.

و در رابطه با کارکنان امور اداری و سازمانی که طی چارت سازمانی شرکت ملی حفاری از بالاترین مقام در شرکت (مدیرعامل) تا نگهبان (دم‌گیت) به حساب می‌آید.

: از توضیحاتی که تا حالا دادید خیلی ممنونم. اما حالا می‌خواهم اگر هر کدام از شما در مورد تعداد تخمینی کارگران حفاری، نسبت دائمی‌ها و پیمانی‌ها، اینکه آیا کارگر یا کارمند زن هم در بینشان هست، رگ و ریشه محلی و قومی و ملیتی کارگران حفاری و... اطلاعاتی دارید بگویید.

بهرام: در مورد تعداد کارکنان حفاری آمار دقیقی ندارم، اما فکر می‌کنم چیزی در حدود ۴ تا ۹ هزار نفر در مجموع باشد (که رسمی‌ها حدوداً ۳ تا ۴ هزار نفر هستند). نسبت پیمانیها از دائمی‌ها بیشتر است و میشود گفت این نسبت سه به یک است. و اما اینکه کارگر یا کارمند زن داریم، بله. در بخش کارکنان امور اداری و سازمانی همکاران زن بسیاری هستند که کارهای گوناگون بسیاری انجام می‌دهند.

در مورد رگ و ریشه محلی و قومی و ملیتی، یک بخش از کارگران که در اردوگاه حفاری معمولاً حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر می‌شوند محلی هستند. یعنی بومی همان منطقه که دکل حفاری قرار دارد هستند. (مثلاً افراد محلی از مکان استقرار دکل چاه‌های شماره ۱۴۶ میدان بی بی حکیمه، ۱۲۷ میدان آغاچاری، شماره ۳ لاوان، و...) اما در شرکت حفاری بیشتر کارگران از مناطق ملی هستند. از قبیل بختیارها، عربها، ترکها و... که بخاطر وضعیت تاریخی منطقه‌ی نفت خیز خوزستان بیشتر بختیاری هستند.

: شما در بالا به دو نکته اشاره کردید. یک مناطقی که چاه ها وجود دارد و یکی اردوگاه. منظور چیست؟

بهرام: بله. در مورد مناطق که گفتم منظور محل استقرار دکل های حفاری است. ناوگان شرکت ملی حفاری ایران برای حفاری حدود ۴۰ تا ۵۰ چاه نفتی و گازی در نقاط مختلف کشور دکل هایی در موقعیت هایی مستقر ساخته که آمار آنها را می توانید از روابط عمومی حفاری بگیرید. (*)

اما در مورد اردوگاه حفاری : محلی است در نزدیکی چاه حفاری شامل: ۱۴ تا ۱۵ کاروان، یک ژنراتور برق، کاروان نانوائی، سرویس های بهداشتی، خوابگاهها که شامل خوابگاه ۱ (برای سر حفار _ حفار و کمک حفار) و خوابگاه ۲ (برای بقیه کارکنان سکو) که باید جای بسیار آرامی باشد، سالن غذا خوری شماره ۱ که برای سر حفار و حفار و کمک حفار، و شماره ۲ که برای بقیه کارکنان است، آشپزخانه (که در همان جالباس شوئی و....)، نمازخانه (با يك دستگاه تلویزیون برای استفاده کارکنان)، چادر هایی برای کارگران ساده بومی، که کار های (نگهبانی اردو گاه و چاه و سیمان خالی کردن ...) را انجام می دهند.



افراد یک اردوگاه حدوداً ۶۰ نفر هستند. شامل: ۱۵ - ۲۰ کارگر ساده و بومی مابقی، کارکنان خود حفاری و مسئول اردوگاه (کمپاس) که عهده دار تمام امور سر دکل و اردوگاه است. این افراد ۲ هفته کامل در این اردوگاه هستند.

: آیا قشر ممتاز و راضی کارگری (نه کارمند و متخصص) که پایه اجتماعی این نظام باشد هم در بین کارگران حفاری وجود دارد؟ از نظر عقیدتی و مذهبی، تقسیم بندی میان کارگران چقدر پر رنگ است؟ آیا يك نیروی مذهبی فعال و تاثیر گذار از طرف دولت در این بخش وجود دارد؟ مثلاً نماز جماعت در چه سطحی و با چه تعدادی برگزار می شود؟

روشن: در مورد سؤال اول. بله، یک قشر نازک ممتاز وجود دارد که زیاد هم ربطی به کارمند بودن و متخصص بودن ندارد. از نظر عقیدتی و مذهبی، تقسیم بندی پر رنگ وجود ندارد و فشار و سختی کار، نزدیکی و زندگی فشرده کارگران، دوری از خانواده و... این موضوع را از بین برده است. اما در اینجا از نماز جماعت خبری نیست. هرکسی اگه وقت و فشار کار اجازه بده جداگانه نماز می خواند شاید در مناطق دفتر مرکزی در شهر اهواز، در امور اداری (منطقه ی کوروش کارگاه شماره (۱) یا کارگاه ۲ (پیچ کارون) مثل خیلی دیگر از ادارات، نماز جماعت برگزار شود.

و اما در مورد پایه های نظام. همیشه معمولاً يك نفر ملیجک برای گزارش دهی وضعیت را بین کارگران دارند اما کسی با او ارتباط نمی گیرد یا بقولی تحویلش نمی گیرند.

: مسائل و مشکلات روز کارگران این بخش طرح اقماری چیست؟

روشن :

پایان بخش اول

توضیحات:

(۱) برای اطلاعات بیشتر در مورد کنترل کارگری رجوع شود به مقالات منتشره در وبلاگ جمعی از فعالین کارگری

*- روابط عمومی شرکت ملی حفاری ایران مستقر در اهواز : هم اکنون دکل های ۱۱ قدر روی چاه شماره ۱۴۹ گچساران، ۱۲ قدر روی چاه شماره ۲ میدان نفتی جفیر، ۱۳ قدر روی چاه شماره ۵ میدان آزادگان، ۱۴ قدر روی چاه شماره ۷ میدان رامین، ۱۶ قدر

گفتگو در جمع کارگران حفاری

روی چاه شماره ۲۲۵ میدان گچساران و ۱۸ قدر روی آرک ۱۲ رسالت در بندر لنگه استقرار یافته اند.

همچنین دکل حفاری ۴۰ فتح روی چاه شماره ۶۳ میان هفتکل، ۴۱ فتح روی موقعیت سبلان B، ۴۲ فتح روی چاه شماره ۲۹ خارگ، ۴۳ فتح روی چاه شماره ۱ سفید باغون، ۴۴ فتح روی چاه شماره ۱۰ قلعه نار، ۴۵ فتح روی چاه شماره ۵۴ خانگیران، ۴۶ فتح روی چاه شماره ۳۵۳ میدان مارون و دکل ۴۷ فتح روی چاه شماره ۳۵۵ میدان گچساران مستقر شده اند.

دکل های ۴۹ فتح، ۵۰ فتح، ۵۱ فتح، ۵۲ فتح، ۵۳ فتح، ۵۴ فتح، ۵۵ فتح، ۵۶ فتح، ۵۷ فتح، ۵۸ فتح و ۵۹ فتح به ترتیب بر روی چاه های شماره ۱۴۶ میدان بی بی حکیمه، ۱۲۷ میدان آغاچاری، شماره ۳ لاوان، شماره ۶۰ منصوری، شماره ۴۲ آب تیمور، شماره ۹ آزادگان، شماره ۱۲۵ میدان رگ سفید، شماره ۲۸ نار، شماره ۵۳ خانگیران، شماره ۴۷ کویال و شماره ۱۵ میدان شادگان مستقر شده اند.

همچنین روی چاه های شماره ۳۵۲ میدان مارون، شماره ۴۶ میدان کویال، شماره ۴۱۸ میدان اهواز، شماره ۱۲ میدان آزادگان، شماره ۱ میدان آبان، شماره ۹ میدان شانول، شماره ۳۵۷ میدان مارون، شماره های ۷۳ و ۷۵ میدان منصوریه و شماره ۱۵ میدان ذیلایی ۱۰ دکل حفاری ۶۱ تا ۷۰ فتح مستقر و مشغول حفاری چاه های توسعه ای هستند.

دکل های پیروزی بر روی چاه شماره ۴ جفیر، دکل ۷۵ نصر بر روی چاه شماره ۳۳ کنگان، ۷۸ و ۷۹ نصر نیز به ترتیب بر روی چاه های شماره ۱۴۷ میدان آغاچاری و شماره ۳ میدان پرنج، مسقر شده اند. دکل مورب در موقعیت اسکله خرمشهر جزیره خارگ مستقر شده و دکل های ۸۰ تا ۸۷ فتح نیز به ترتیب بر روی چاه های کنگان ۳۲، چاه شماره ۱۱ آزادگان، چاه شماره ۱۴ میدان اغار، شماره ۴۱۶ میدان اهواز شماره ۳۷ میدان کرنج، شماره ۴۱۷ میدان اهواز و چاه شماره ۱۰۸ میدان رگ سفید. مشغول انجام فعالیت حفاری طبق برنامه دستگاه نظارتی هستند.

جمعی از فعالین کارگری (jafk)

آذر ماه ۸۷

گفتگو در جمع کارگران حفاری

یک توضیح: انتشار بخش اول گفت و گو با کارگران حفاری با استقبال مخاطبان وبلاگ روبرو شد. بار دیگر با تشکر از دوست یا دوستان تهیه کننده این مطلب، لازمست یکی دو نکته را در مورد مقدمه ای که خود بر آن گفت و گو نوشته بودیم توضیح دهیم. برخی دوستان در تماس با وبلاگ مطرح کردند که در دوران انقلاب ۵۷ و فعالیت شورای کارگران حفاری، طرح استفاده از کانتینرها (یا در واقع کاروان ها) مربوط به محل اقامت کسانی بود که از نقاط دیگر برای کار می آمدند و برای روزهای آخر هفته جایی نداشتند. در آن مقدمه، ما به اشتباه، استفاده از کانتینرها به عنوان ناهار خوری را مطرح کرده بودیم. نکته دیگر در مورد جان باختن چند نفر از اعضای شورای کارگران حفاری در سوانح کاری در همان دوران فعالیت شورا است. یکی از دوستان این سوانح کاری را مشکوک دانسته و آن را جزئی از سیاست سرکوب دولتی برای ضربه زدن به شورا معرفی کرده است.

«جمعی از فعالین کارگری»



: مسائل و مشکلات روز کارگران بخش طرح اقماری چیست؟

روشن: علی، کارگر سکواست. بهتر است این سوال را او جواب بدهد.

علی: من هم مثل بقیه دوستان به شما خوشامد می گویم و امیدوارم در این چند روز به شما سخت نگذشته باشد. مشکلات کم نیست! من هر چه به نظرم می رسد را می گویم.

اول از همه، دوری از خانواده. این را همه کارگرهایی که شرایط شان مثل ماست، خوب حس می کنند. این جای خالی را با هیچ چیز نمی شود پر کرد.

دوم، نبود امکانات ایمنی. در این کار، وسایل ایمنی باید بر حسب نیاز در دسترس باشد. مهمترینش، دستکش است. چون ما هر روز با آب و گریس و روغن و غیره تماس داریم. اصلاً باید در اردوگاه، یک انبار وسایل ایمنی داشته باشیم، نه اینکه هر چند ماه از اداره بیاورند و تحویل بدهند. کارگرها همیشه به واسطه نوع کار یا محل کار در معرض خطر جدی قرار دارند. وقتی که اطراف دستگاه حفاری هستی باید حواست شش دانگ جمع باشد. خیلی کارها را باید برای پیشگیری از خطر و صدمه دیدن انجام داد. اهمیت این پیشگیری ها کمتر از لباس و تجهیزات ایمنی نیست. بیشتر خطرات و آسیب ها متوجه دست و پا است. انگشتان را باید از سر راه آچارها و زنجیرها و... دور نگهداشت. در اینجا ما کمبود دستکش مناسب داریم. کمبود کفش کار (کفش پنجه آهنین) و بیلرسوت (لباس یک تکه) داریم



این را هم بگویم که استفاده نادرست از قرقره زنجیر بیشتر از هر چیز دیگری باعث آسیب دیدگی می شود: درست موقع بلند کردن اجسام سنگین، ابزار، تلمبه، گریس و سایر وسایلی که به بالای دکل برده می شود. آسیب دیدگی کمر در اثر سختی کار و ایستادن مداوم هم هست. کارکنان روی سکوی هر دستگاه حفاری باید عینک ایمنی داشته باشند. چون چشم، مخصوصاً موقع کارکردن با مواد شیمیایی و بهسازی گل با مواد شیمیایی، در معرض خطر قرار دارد. در اینجا ما آتش خاموش کن های بزرگ نداریم. حتی یک منبع بزرگ آب برای شستن چشمها و پاک کردن بدن از مواد شیمیایی هم نداریم.

: دیگر چه مشکلاتی دارید؟



علی: صبر کنید! آچار لوله ها را هم بگویم. آچار لوله ها بسیار خطرناکند. افراد گروه بایستی کابل های ایمنی را بازرسی کنند و موقعی که آچارها تحت کشش زیادند اطراف آن نایستند.

یک خطر دیگر، لغزنده بودن سکو است. چون گل حفاری لغزنده است و این باعث بروز حوادث کار می شود، بالا و پایین رفتن از پلکانی که نرده هایش خراب است بدتر از پلکانی است که نرده ندارد! الان در دستگاه های حفاری مدرن دنیا، تجهیزاتی را برای جلوگیری از حوادث و آتش سوزی طراحی کرده اند. در گذرگاه ها و پلکان ها، برای جلوگیری از سقوط، نرده نصب کرده اند. برای تمام قسمت های متحرک (منظورم تسمه و زنجیرهاست) و برای وسایل تخلیه فشار روی خطوط و پمپ های گل، حفاظ گذاشته اند.

حمید: یک چیز را نگفتی! اینجا مسابقه حفر چاه می گذارند. ظاهراً برای تشویق کارکنان به بهتر و سریعتر کار کردن است. اما نتیجه اش عوض کردن بی رویه ریتم کار و بر هم زدن دقت و تمرکز کارکنان است. هر کاری وقت و حوصله خاصی می خواهد. همین مسابقه حفر چاه، یکی از دلایل بالا بودن ضریب سوانح است.

علی: درست است. و البته این نوع مسابقه بعد از جنگ و برای دوره ای خاص بود (در حال حاضر نیاز به این نوع مسابقه ندارند)، که رژیم برای آنکه بتواند در اوپک حرفی داشته باشد باید تولید خود را بالا می برد، و این داستان خودش را دارد.

اگر باز هم بخواهم از مشکلاتمان بگویم باید بگویم که کار طاقت فرسا و سنگینی داریم. حالا این را بگذار در کنار تغذیه نامناسب و غیر استاندارد. بگذار در کنار نبود امکانات فرهنگی و ورزشی.



حمید: بین. بگذار در این مورد کمی توضیح بدهم. در صورت حساب حقوق ما ۲ تا پارامتر است تحت عنوان «محرومیت از تسهیلات زندگی» و «شرایط محیط کار فوق العاده کارگر». به نظر شما اینها چه مفهومی می تواند داشته باشد؟ کارگرهای حفاری ۱۵ شبانه روز کار مداوم می کنند؛ بدون ارتباط با خانواده و دوستان؛ در بی خبری کامل از مسائل اجتماعی روز. آیا به نظر شما با پولی که بابت این دو پارامتر می دهند می شود مسائل و کمبودهای روحی کارگرها را بر طرف کرد؟ شما فکر می کنید چرا آمار مصرف مواد مخدر در اردوگاه ها بالا است؟ خب وقتی که من بالای دکل در سرمای ۲۰ درجه زیر صفر و در گرمای ۵۰ درجه بالای صفر کار می کنم، و زمان استراحتم را باید در بیابان بدون امکانات رفاهی، بدون کتابخانه و امکانات ورزشی و غیره بگذرانم، چه چیزی جایگزین اینها می شود؟ می دانم که در این شرایط و با این نظام،

این حرفم ممکنست شوخی به نظر بیاید یا خواب و خیال باشد، ولی چرا نباید کسانی که در چنین اردوگاه‌هایی کار می‌کنند، در مورد مسائل اجتماعی و کاری، مشاور یا روانپزشک داشته باشند؟

: خودت قبلاً جواب خودت را دادی! خواب دیدی خیر باشد!....

از نیازهای فرهنگی و روحی کارگرها صحبت شد؛ می‌خواستیم ببینیم میزان استفاده از ماهواره در میان کارگران چقدر است؟

روشن: من آمار دقیقی از کل کارگرهای حفاری در این زمینه ندارم. اما در سطح دوستان و آشنایان و دیگران که ارتباط دارم می‌توانم بگویم که عموماً آنهایی که ماهواره دارند کانال‌های لس آنجلسی را بیشتر نگاه می‌کنند. البته درصد زیادی از تماشا کردن به ماهواره برای سرگرمی است. یک بخش کوچکی هم هستند مثل رفقای خودمان که کانال‌های چپی و سیاسی مثل کومله، کانال جدید، کانال ۶ و را نگاه می‌کنند. البته رفته رفته این کانال‌ها هم برایشان عادی و روزمره شده است. خیلی وقت‌ها می‌بینم که اینها هم همراه با خانواده برای تفریح می‌نشینند و سربال‌های مزخرف تلویزیون را نگاه می‌کنند. البته ناگفته نماند که «صدای آمریکا» را هم خیلی‌ها تماشا می‌کنند.

: یک موضوع دیگر. آیا خبر دارید که شرکت‌های حفاری خارجی در ایران چکار می‌کنند؟ آیا واقعا تکنولوژی پیشرفته را انحصاری نگه می‌دارند و انتقال نمی‌دهند؟

حمید: معلوم است که نه! این را بدون تعصب می‌گویم و شعار نمی‌دهم. شرکت‌هایی که برای حفر چاه به کشور دعوت شدند، نه تنها دکل و تکنولوژی خاصی را وارد نکردند، بلکه با دکل‌های خودمان به انجام عملیات حفاری پرداختند و از نیروی انسانی ما استفاده کردند. فکر نکنید

این را فقط در مورد ایران می گویم. در کشورهای همسایه هم همین است. تمام این کشورها از طرف کشورهای که صاحب تکنولوژی هستند، کنترل می شوند. فن آوری صنعت حفاری را به شکل محدود در اختیارشان قرار داده اند. البته در بعضی کشورها، خودشان پیشرفت های تکنولوژیک داشته اند ولی مساله اینست که کشورهای پیشرفته، کل فن آوری حفاری را در اختیار آن ها نمی گذارند. در حال حاضر، شرکت های حفاری معمولاً دکل ها را از چین می خرند. در حالی که دکل های چینی فقط هزار اسب بخار توان دارند. این دکل ها در اعماق کم (shallow) و گاهی تنها تا کلاهک گازی **gas cap** برخی مخازن نفتی قادر به حفاری هستند و در اعماق بیشتر کارآیی ندارند. اما الان در ایران نیاز به دکل هایی است که بتوانند در لایه گورپی حفاری کنند. یعنی جایی که خیلی فشار بالا است: ۱۵ هزار **PSI** فشار و میزان عظیمی نفت دارد. الان در میداین نفتی ایران از دو لایه تولید می شود: لایه آسماری و لایه بنگستان. به دلیل نبود دکل و تکنولوژی مورد نیاز آن در کشور در حال حاضر حفاری در این لایه امکان پذیر نیست. فقط یک دکل از این نوع در کشور وجود دارد، خوب، وابستگی یعنی همین! اگر به میزان فعالیت و توجه شرکت های آمریکایی به بخش نفت، حفاری و صنایع و تکنولوژی مربوط به آن نگاه کنی می توانی این فاصله و شکاف را بیشتر بفهمی.

: اصلاً شرکت های خارجی چقدر در نفت و گاز ایران نقش دارند؟ بیشتر از کدام کشورند؟

روشن: دولت قراردادهایی زیادی برای حفاری و اکتشاف نفت با خارجی ها بسته است. ۱۳ تا شرکت خارجی شاید هم بیشتر هستند که اکثرشان اروپاییند. ایتالیایی ها هستند. اتریشی ها و نروژی ها را هم خبر دارم. **او. ام. وی** اتریش سه چهارم سالی است که در حوزه نفتی **مهر** اکتشاف می کند. اتریشی ها با **ادسون گاز** که باید ایتالیایی باشد یک قرارداد بالای

۸۰ میلیون دلار برای حفاری چاه نفت در گچساران و شمال اهواز دارند. حفاری چاه نفت در حوزه منیر هم به عهده همین شرکت ادسون است. آلمانی ها اطراف سمیرم و درودزن (منطقه زاگرس) حفاری می کنند و ساگای نروژ هم در اناران (مرز عراق).

: با این حساب اروپایی ها باید خیلی هوای این رژیم را داشته باشند.

روشن: آره. منافع حیاتی دارند. اینها هم که خوب دارند بهشان می رسند. شرکت نفتی «انی» ایتالیا خیلی مشهور است. اینها از هفت هشت سال پیش یک قرارداد یک میلیارد دلاری برای توسعه میدان نفتی دارخوین امضاء کردند. می گویند این میدان سه تا پنج میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. شرکت فرانسوی «توتال» فرانسه هم برای توسعه میدان های نفت و گاز سیری قرارداد بست که البته بعد از دعوای سیاسی اخیر نمی دانم کارشان به کجا کشید. واقعا خوب که نگاه کنی می بینی که شیشه عمر اقتصاد و منابع این مملکت دست همین هاست. میدان نفتی و گازی «دورود» چیز کمی نیست؛ همه اش دست اینهاست. ایتالیایی ها و فرانسوی ها. «الف» و «انی». میدان نفتی بلال را هم فرانسوی ها و کانادایی ها به دست گرفته اند. خلاصه نفت و گاز و پتروشیمی ایران فقط اسمش مال ایران است، ولی در واقعیت دست کشورهای اصلی اروپا و حتی رومانی است. تا یادم نرفته بگویم که شرکت های انگلیسی هم هستند.

: به اندازه کافی از سرمایه دارها حرف زدیم! برگردیم به وضعیت خودمان.

علی: درست است.

: اگر ممکنست یکی از شما در مورد سطح سواد کارگران حفاری صحبت کند.

گفتگو در جمع کارگران حفاری

حمید: در بخش اقماری، (پرسنل رسمی را می گویم) در حال حاضر سطح سواد تقریباً بالا است. سر چاه تقریباً، دیپلم و دیپلم به بالا هستند. ولی کارگرهای محلی معمولاً بیسواد و کم سوادند. بیشتر پرسنل رسمی، نیروهای جدید و جوان با سواد هستند که البته حقوقشان به نسبت کم است. این بر می گردد به تغییرات حساب شده ای است که در زمینه استخدام داده اند.



: لطفا توضیح بده.

حمید: اینها دو تا کار کردند. اولین کارشان این بود که خودشان را از شر «کارگر رسمی» خلاص کردند. چندین سال پیش آمدند و به کارگران رسمی گفتند که می خواهیم شما را به جای کارگر، کارمند یا کارکن شرکت ملی حفاری کنیم و حقوقتان را زیاد کنیم. اکثراً گول همین اضافه کردن قلابی دستمزدها را خوردند و ورقه های جدید استخدامی را امضاء کردند. غافل از اینکه، خارج شدن از ردیف کارگر رسمی این اجازه را به شرکت می داد که هر وقت خواست آنها را گرفتار بازنشستگی پیش از موعد اجباری و باخرید (یا در واقع بیکاری اجباری) بکند. با این کار،

شرکت توانست خودش را از شرح و حقوقی که کارگر رسمی در قانون استخدام دولتی داشت خلاص کند.

: ولی ما که در شرکت ملی حفاری، بیکارسازی گسترده ندیدیم.

حمید: درست است. ولی تدریجاً نیروی کار جا افتاده ی قبلی را با حداقل هزینه های پرداختی، کنار زده اند و نیروی جدید و جوان را جایگزین کرده اند. البته در مورد کارگران ماهر و متخصص به این سادگی ها نیست. چون تجربه اینها را هیچکس ندارد و یک شبه به دست نیامده است. به همین خاطر، این کارگرها یا کارکنان کلیدی را نگهداشته اند.

: گفتی که دو کار کردند. کار دومشان چه بود؟

حمید: همین استخدام جوان ها. ولی از همان اول به عنوان پیمانی. بدون حق و حقوق رسمی. با دستمزد کم نسبت به سطح تحصیلات. اینطوری هم از انرژی و مهارت و توانایی یادگیری سریع جوان ها استفاده می کنند و هم میزان بهره کشی را بالا می برند و از هزینه ها کم می کنند.

: بزرگترین و کوچکترین واحدهای حفاری (از نظر تعداد و تجمع کارگران) چه اندازه است؟ چه تعداد معمولاً در کنار هم کار می کنند؟ مثلاً اگر اعتراض یا اعتصابی شود، چند نفر را می تواند درگیر کند؟

روشن: به نظرم بزرگترین واحد، عملیات حفاری (طرح اقماری) است و کوچکترین بخش اداره پست است که تعداد کارکنانش ۳ تا ۴ نفر است. از نظر تعداد و تجمع، کارگران در یک اردوگاه حدوداً ۶۰ نفرند که معمولاً ۱۵ روز در یک جا با هم کار می کنند. اگر قرار بر اعتراض یا اعتصاب باشد، تاثیر فوق العاده ای دارد.

: چرا؟

روشن: به خاطر حساسیت و اهمیت حفاری و تاثیرش روی بقیه بخش های نفت و گاز. البته اعتصاب راه انداختن در حفاری و به طور کلی در صنایع نفت و گاز خیلی کار دارد! اینها از وقتی سر کار آمده اند همه جوره برای پیشگیری و سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری برنامه ریزی کرده اند. هم سیستم حراست و کنترل و شناسایی شان جدی و حرفه ای عمل می کند و هم سیاست تطمیع و رشوه دهی و امتیاز دادن به بخشی از کارگرها و کارمندا را پیاده می کنند.

: قبول دارم. ولی این را قبول دارید که جلوی مبارزه طبقاتی را نمی شود گرفت؟

حمید: قبول. ولی بحث زیاد است. باید یک وقتی بگذاریم و مفصل بحث کنیم....

ضمیمه ۱

واقعیتی در مورد وابستگی اقتصاد ایران

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، بهمن ماه سال ۱۳۸۶ وزارت نفت ایران با برگزاری همایشی در هلند از ۹۰ شرکت خارجی برای اکتشاف در ۱۶

گفتگو در جمع کارگران حفاری

بلوک نفتی ایران دعوت کرد که هزینه اکتشاف این بلوکها ۳۰۰ میلیون دلار و مدت اجرای آن ۲۵ سال برآورد شد.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا هم پیشتر با اعلام این که از سال ۱۹۹۶ تاکنون ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران جذب شده است، افزود: اتحادیه اروپا که مخالف تحریم اقتصادی علیه ایران بوده است، در تاریخ ۲۲ نوامبر سال ۱۹۹۶ قطعنامه ۲۲۷۱ را مبنی بر عدم پیروی شرکتهای اروپایی از قانون ایلسا (قانون تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران و لیبی) تصویب کرد.

شرکت نفتی ای ان (E.ON) آلمان نیز اعلام کرد که قصد دارد به عنوان نخستین شرکت آلمانی در بازار انرژی ایران سرمایه‌گذاری نماید.

روزنامه «هندلز بلات» نوشت: مقام‌های عالی‌رتبه این شرکت آلمانی پیش از این طی سفری به ایران، با مقامهای ایرانی مذاکرات بسیار مهمی را در این خصوص انجام داده‌اند و وارد شدن شرکت «ای ان» آلمان در بازار انرژی ایران، وابستگی این شرکت را به منابع گازی و نفتی روسیه تا حد بسیار زیادی کاهش خواهد داد.

سفیر انگلیس در تهران با بیان این که شرکت نفتی BP انگلیس قصد ندارد به صورت کوتاه مدت در ایران سرمایه‌گذاری کند، گفت: این شرکت علاقه مند به سرمایه‌گذاری بلند مدت در ایران است. ریچارد دالتون در مورد همکاری شرکتهای نفتی انگلیسی با شرکتهای ایرانی و آینده حضور آنها در پروژه‌های نفتی ایران اظهار داشت: در حال حاضر شرکتهای نفتی انگلیسی از جمله BG (بریتیش گاز) و «شل» در ایران فعال هستند. او اضافه کرد: شرکت

نفتی BP در تولید روغن موتور با شرکتهای ایرانی همکاری دارد و از بزرگترین خریداران نفت ایران در دنیا به شمار می رود، ضمن این که در بخش صنعت پتروشیمی و فروش لیسانس به شرکتهای ایرانی فعال است.

ضمیمه ۲

برای اطلاعات عمومی

تاریخچه اکتشاف نفت در ایران



تاریخچه اکتشاف نفت در ایران با واگذاری امتیازات در اواخر دوره قاجاریه همراه است که ورود به آن از اهداف این مقدمه خارج است اما در هر صورت اقدامات عملی اکتشاف نفت از سال ۱۲۸۰ با عقد قرارداد "دارسی" آغاز و در خرداد ۱۲۸۷ با کشف میدان نفتی مسجد سلیمان وارد مرحله عملی گردید. با بروز جنگ جهانی اول رکورد اکتشاف فراگیر شد و تا سال ۱۳۰۷ که آغاز بحران اقتصادی جهانی بود جمعاً دو میدان نفتی دیگر یعنی هفتگل و نفت شهر کشف گردید.

از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۲ مناقشات ایران و شرکت نفت بریتانیا رکودی دیگر بر روند اکتشاف وارد کرد ولی با تمام این احوال تا سال ۱۳۱۷ میدانهای بزرگی همچون نفت سفید، آغا جاری، پازنان و گچساران کشف شد. از سال ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۲۷ بعلت وقوع جنگ جهانی دوم تنها میدان "لالی" کشف شد.

گفتگو در جمع کارگران حفاری

کشف این میدان در سال ۱۳۲۷ اولین اکتشاف مخزن "بنگستان" بشمار می آید. از اسفند ماه ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ تاریخ انعقاد قرارداد کنسرسیوم رکودی کامل بر اکتشاف حکم فرما بود. از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۷ که فعالیت اکتشافی شرکت های عامل نفت آغاز شد منجر به کشف میدان اهواز (آسماری و بنگستان) و مخزن بنگستان میدان آغاچاری گردید.



دهه ۴۸-۱۳۳۸

این دهه یکی از مهمترین و پربارترین دهه های اکتشافات نفتی در جنوب غربی ایران و طی آن تعداد مخازن جدید کشف شده به ۳۳ میدان می رسد که در مجموع حدود ۴۶ درصد کل ذخایر در جای کشور در طی این دوره به اثبات رسیده است. در این دوره علاوه بر میدانهای کشف شد زاگرس، اولین میدان دریایی یعنی بهرگانسر در سال ۱۳۳۸ کشف گردید و متعاقب آن میدانهای دورود، سروش، سلمان ، اسفندیار، فروزان، نوروز، رشادت، پارس شمالی، هندیجان، و رسالت نیز کشف شد.

دهه ۵۷-۱۳۴۸

در این دهه که آخرین دهه قبل از انقلاب و سالهای پایانی استیلای شرکت های عامل نفت منابع ایران است، حجم فعالیت های اکتشافی به بالاترین مقدار خود می رسید و از تمامی امکانات به همراه فناوری روز استفاده گردید ولی در هر صورت مقدار نفت در جای کشف شده به يك پنجم دهه قبل تا ۱۲ هزار میلیون بشکه رسید. میدانهای کشف شده این دوره از نظر حجم ذخایر کوچک تا متوسط بحساب می آیند.

دهه ۶۷-۱۳۵۷

در این دهه اکتشاف با رکورد نسبی همراه بود که جنگ مهمترین عامل آن بوده است. در این دوره امکانات اکتشاف صرف امور تولید شد و میدانهای کشف شده مرتبط به فعالیتهایی است که قبل از انقلاب آغاز شده بود.

دهه ۷۷-۱۳۶۷

در دهه دوم بعد از انقلاب آهنگ فعالیت های اکتشافی بتدریج سرعت گرفت و امکانات بیشتری تخصیص داده می شد. با افزایش فعالیت ها مقدار نفت کشف شده در این دوره تقریباً دو برابر دوره قبل بود. از جمله مهمترین اکتشافات در این دهه، کشف میدان گازی پارس جنوبی است که جزو بزرگترین مبادین گازی کشف شده در جهان می باشد.

آذر ماه ۸۷

گفتگو در جمع کارگران حفاری